

## مرابشناس

من زنم  
من مادرم  
من دخترم  
من خواهرم  
من همسرم  
من از تبار زنانی نیستم  
که شما!  
در فرهنگ ننگ آلودتان  
میان باریک و "ساقهای مرمرینش!" رابه تصویر کشیده  
وبه معرض نمایش قرار میدهید  
وازان سود جوئی مینمائید

من زنم  
زنی از تبار پرولتاریا  
زنی از تبار زحمتکشان  
من منجنیق آتش و نفرتم  
نفرت ضد سود و سرمایه  
از اعماق قلب و شیبور صدایم  
مرگ بر سود و سرمایه فوران میکند  
آری

من زنم  
زنی که از صبح تا شام با گوسفندان لاغرش به چراگاه میرود  
اما در چشمانش پاکیزه گی، صداقت، آبرو و عزت برق میزند  
زنی که از شیر گوسفندان لاغرش  
برای فرزندان غذا تهیه میدارد

من زنم  
زنی که از صبح تا شام  
با انگشتان معجزه آفرینش قالین رقم میزند  
و با مزد ناچیز آن  
زندگی خود و فرزندان را سپری مینماید

من زنم  
زنی که دستانم  
با دستان پرولتاریا و دهقانان فقیر گره خورده است  
و برای نجات بشریت  
از چنگال خونین سود و سرمایه  
سرود انترناسیونال سرمیدهم

من زنم  
زنی آزاده  
از تبار ملالی ها، لایلا خالدها و اشرف دهقانی ها  
من زنم  
من مادرم  
من دخترم  
من خواهرم  
من همسرم

## دفتر یگانه

در لحظه های خوش  
در لحظه های غم  
آید به یاد من  
یادی ز خاطرات زمان پر پروپار  
یادی ز دوستان و رفیقان جان نثار  
نی!  
هر گز!  
یادی نمیکنم ز رفیقان نیمه راه  
یادی کنم ز خاطر نوباوه دختری  
نامش ستاره بود  
آن شیر دختری که نبرد کرد و جان سپرد  
در زیر چکمه های غلامان خرس قطب  
او معبد یگانه من در نبرد حق  
او دفتر یگانه من در کتاب شعر